Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 3/ No. 2/ Summer 2016
Page: 1-10

The Relationship between the Attachment Style, Self-Conception, and Loneliness amongHigh School Students

Habiballah Naderi[1*], NargessFirozzadeh Pasha[2], Fatemeh Kargar [3]
1. Assistant Professor of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran
2. M.A student of Educational Psychology and official teacher in Eastern Bandpey, Babol, Iran
3. Master of clinical of psychology

Abstract

Introduction: This research was aimed at surveying the relationship between attachment, self-concept and loneliness in the secondary school students of Eastern Bandpey, Babol, Iran.

Methods: The study was descriptive and correlation in which 278 students (139 girls and 139 boys) participated by filling out Hazan and Shaver Interest Style Questionnaire, Rogers Self-Concept Scale and UCLA Loneliness Scale. The data were analyzed using the statistical technique of regression.

Results: The results showed that there was a meaningful relationship between attachment and feeling style, but there was no relationship between attachment style and self-conception. There was also a significant inverse relationship between self-conception and loneliness.

Conclusion: Attachment style was a stronger predictor of loneliness than self-conception.

Keywords: Attachment style, self-conception, loneliness

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵
صفحات: ۱۰-۱

رابطه بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم

حبیب الله نادری[۱*]، نرگس فیروززاده پاشا[۲]، فاطمه کارگر[۳]

۱- عضو هیات علمی گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول: h.naderi@umz.ac.ir
۲- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دبیر آموزش و پرورش منطقه بندپی شرقی. بابل، ایران.
۳- کارشناسی ارشد بالینی

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی دانش‌آموزان متوسطه دوم بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بود. به هر حال پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به احساس تنهایی در سال های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۲۷۸ دانش‌آموز (۱۳۹دختر و ۱۳۹پسر) می-باشد که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و با تکمیل پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور، خودپنداره راجرز و احساس تنهایی UCLA در این پژوهش شرکت کردند.

یافته‌ها: برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی و احساس رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معنادار وجود ندارد. بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی نسبت به خودپنداره پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای احساس تنهایی است.

کلید واژه‌ها: سبک دلبستگی، خودپنداره، احساس تنهایی.

[دریافت مقاله: پذیرش مقاله:]

مقدمه

مهمترین وظیفه آموزش و پرورش ایجاد زمینه سازی برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسانهای سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. از آنجایی که دانش‌آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور نقش ویژه‌ای دارند؛ توجه به این قشر از جامعه، باروری و شکوفایی هرچه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می‌گردد (میلر[1]، ۱۹۸۲؛ ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات بسیاری در فرایندهای زیست شناختی، روانی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد و تمایل برای برقراری رابطه صمیمانه و خود افشایی افزایش می‌یابد (**شهر آرای، ۱۳۹۴**). همچنین احساس ناپیوستگی باعث بروز تنهایی و در برخی همراه با مشکلات شدید سازگاری می‌شود (لرنر و اسپانیرف، ۱۹۸۰؛ گلفاند و تتی هنوود، ۱۹۹۰؛ سولانا، ۱۹۹۴؛ کالپ و کلیمن[2]، ۱۹۹۵؛ به نقل از آقامحمدیان وحسینی، ۱۳۸۴).

بالبی[3] (۱۹۸۰-۱۹۷۳) در نظریه‌ی دلبستگی بر این نکته تاکید داشت که ارتباطات اولیه‌ی دوران کودکی، سبک دلبستگی فرد را شکل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره‌ی خود، دیگران و روش سازماندهی ارتباطات میان فردی تاثیر می‌گذارد. بر طبق این نظریه، تاثیر کیفیت دلبستگی در تمام فرخنای عمر تداوم دارد و تبیین کننده تفاوتهای فردی در زمینه روشهای مقابله با آزردگی‌های درونی و تنظیم روابط میان فردی است. بسیاری از روانشناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره‌ی اولیه‌ی دلبستگی است، زمینه‌ی کنش روان شناختی سازگارانه را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند. به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی سبک‌های دلبستگی نوزادی، هازان و شیور[4](۱۹۸۷) سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را در سه طبقه ارائه دادند: ۱) دلبستگی ایمن، ۲) دلبستگی مضطرب- دوسوگراو ۳) دلبستگی اجتنابی. بالبی(۱۹۷۷و ۱۹۸۸) عقیده داشت چنانچه مراقبت از کودک با حساسیت همراه نباشد، دلبستگی ناایمن در کودک شکل می‌گیردو الگوهای عملی درونی او از دیگران به عنوان افرادی دست نایافتنی و اعتماد ناپذیر خواهد بود. چنین کودکی خود را شایسته دریافت مراقبت همراه با حساسیت در نظر نمی‌گیرد. اگر این ادراک ناسالم مانع از شکل‌گیری روابط میان فردی حمایت‌کننده شود کودک را در معرض خطر برخی مشکلات عاطفی- اجتماعی قرار می‌دهد، که در کودکان تنها تجربه می‌شود.

خودپنداره[5] از مفاهیم اساسی در روان شناسی مدرسه است. براساس نظریه خودپنداره که از جمله نظریات مرتبط با خود ارزشیابی است، خودپنداره شبکه‌ای از عقاید و باورهای مثبت ومنفی درمورد خود، پذیرش یا رد خود می‌باشد. در پژوهش‌های مختلفی که پیرامون خودپنداره انجام گرفته است، این مفهوم را با اصطلاحات متفاوتی تعریف کرده‌اند و برخی نیز آن را مترادف با عزت‌نفس و خودتنظیمی دانسته اند(احود و بروواینسما[6]، ۲۰۰۶). آموزش و پرورش انسان گرایانه، خودپنداره را جزء جدایی ناپذیر از یادگیری و رشد دانش‌آموز می‌داند و مدعی است که میان خودپنداره مثبت با یادگیری و عملکرد تحصیلی ارتباط وجود دارد؛ کار معلم را فراهم ساختن زمینه مناسب برای دستیابی به خودپنداره مثبت و عملکرد مناسب برای

1. Miler
2. Lerner spanier, Gelfand, Teti Henwood, Solano, Kalp & Kelimen
3. Bowlby
4. Hazan& shaver
5. Self-concept
6. Ahmed & Bruinsma

دانش‌آموزان می‌داند (میلر، ۱۹۸۲؛ ترجمه-مهرمحمدی، ۱۳۹۲). خودپنداره تحت تاثیر عوامل متعددی متحول می‌شود. بازخورد دیگران به ویژه والدین، تعامل‌های اجتماعی، ارتباط کودک و محیط از جمله عواملی است که خودپنداره را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پورحسین و همکاران ، ۱۳۸۱).

احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که به تجربه نارضایتی از روابط اجتماعی منجر می‌شود (پونزتی و هومهیر[1]، ۱۹۹۹). آشرو پاکت[2] (۲۰۰۳) تنهایی را آگاهی شناختی فرد از ضعف در روابط فردی و اجتماعی خود توصیف می‌کنند که به احساس غمگینی، پوچی یا تاسف و حسرت منتهی می‌شوند. در واقع احساس تنهایی، عدم توانایی در برقراری و حفظ روابط رضایت بخش با دیگران می‌باشد که احتمالا باعث تجربه حس محرومیت می‌گردد (هنریچ و گلون[3]، ۲۰۰۶). احساس تنهایی افراد را درگیر با احساس خلا، غمگینی و بی‌تعلقی مواجه می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر تعاملات اجتماعی با دیگران، نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی تاثیر می‌گذارد (هنریچ و گلون، ۲۰۰۶). به نظر الهاگین[4] (۲۰۰۴) مبنای احساس تنهایی، فاصله و شکاف بین آرمانهای فرد (آنچه می‌خواهد) و دستاوردهای او (آنچه به دست آورده است) در روابط و صمیمیت‌های بین فردی است. هر چه این فاصله بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است. بررسی‌های موجود نشان داده‌اند که افراد دارای احساس تنهایی دارای خصوصیاتی می‌باشند که از آن جمله می‌توان به رضایت و شادکامی اندک، عزت نفس پایین، از خودبیگانگی، احساس خجالت، دلتنگی، احساس خلأ، کمی جاذبه، خودداری از ارتباطات اجتماعی، دوستان اندک، بدبینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگر گریزی، و درون‌گرایی اشاره نمود. فرانزوی و دیویس[5] (۱۹۸۵)، ارتباط منفی معنی‌داری بین احساس تنهایی و ادراک گرمی از پدرانشان را گزارش دادند. لمپرز[6] و همکاران (۱۹۸۹) نشان دادند که شرایط سخت اقتصادی باعث بالا رفتن میزان افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانانی می‌شوند که سبک فرزندپروری والدین خود را طرد کننده و ناهمسان ادراک کرده‌اند.

هچت و بادم[7] (۱۹۸۴) دریافتند، مدت زمانی که فرد در تنهایی به سر می‌برد، تعیین‌کننده اساس میزان احساس تنهایی در او نیست، بلکه تهدید جدایی و کیفیت دلبستگی که در افراد ناایمن تجربه می‌شود، در احساس تنهایی نقش مهمّی دارد. به عبارت دیگر در احساس تنهایی، احساس ذهنی شخص از کیفیت دلبستگی عاطفی صمیمی با چهره دلبستگی تاثیر بسیار بیشتری از حضور نداشتن دیگران دارد. بنابراین افراد مضطرب–دوسوگرا برخلاف افراد اجتنابی برای تامین حس خود ارزشمندی به دیگران بسیار وابسته‌اند و به این دلیل انتظار می‌رود در مقایسه با افراد اجتنابی احساس تنهایی بیشتری را تجربه کنند. اگرچه در نظریه بالبی دلبستگی و احساس تنهایی مرتبط به یکدیگر در نظر گرفته نشده‌اند، برخی از پژوهشگران معتقدند نظریه دلبستگی می‌تواند برای بررسی شکل‌گیری احساس تنهایی در دوران کودکی چهارچوبی فراهم کند (برلین[8] و همکاران، ۱۹۹۵).

پژوهش‌های برلین و همکاران در سال ۱۹۹۵ نشان داد که احساس تنهایی در کودکان ناایمن اجتنابی پایین

1. parkhuurst& Homeyer
2. Asher & paquette
3. Henrich & Gallone
4. Elhageen
5. Franzoi & Davis
6. Lempers
7. Hecht &Baum
8. Berlin

و در کودکان ایمن متوسط است، اما نتایج تحقیقات دیگر حاکی از آن است که خود- آشکارسازی در بزرگسالان ایمن بیشتر از بزرگسالان اجتنابی است (میکولیسر ناچشون[1]، ۱۹۹۱). از آنجایی که فقدان خود-آشکارسازی با احساس تنهایی همبستگی دارد (استوکس[3]، ۱۹۸۷)؛ پس انتظار می‌رود احساس تنهایی در افراد ایمن کمتر از افراد ناایمن گزارش شود. نتایج پژوهش میکولیسر و ناچشون (۱۹۹۱) نشان داد افراد دلبسته ایمن به دلیل روابط رضایت بخشی که با دیگران دارند احساس تنهایی در آنها پایین است، این افراد با خود آشکار سازی به دیگران پاسخ می‌دهند و به طور متقابل خود – آشکارسازی بیشتری از دیگران دریافت می‌کنند. نتایج مطالعه شاهینی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که وجود حمایت اجتماعی مناسب سبب کاهش میزان احساس تنهایی و افزایش رضایت از زندگی می-شود و یکی از پیش‌بینی کننده‌های سلامت است، باید تمهیداتی برای افزایش دریافت حمایت اجتماعی از سوی خانواده و دوستان فراهم گردد. همچنین لازم است که با توانمندسازی دانشجویان در کسب مهارتهای ارتباط اجتماعی مناسب، به ارتقای سلامت روان آنها کمک کرد.

به هر حال پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به احساس تنهایی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

نتایج مطالعه صفایی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که همبستگی مثبتی میان خودپنداره مادر و فرزند و همبستگی منفی میان سبک‌های دلبستگی ناایمن و خودپنداره فرزند وجود دارد. در حالی که رابطه معناداری میان خودپنداره مادر و سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند دیده شد. نتایج نشان داد که خودپنداره مادر و سبک‌های ناایمن دلبستگی فرزند بر خلاف دلبستگی ایمن فرزند می‌توانند خودپنداره فرزند را پیش‌بینی کنند.

ورچورن[2] و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که خودپنداره کلی با کیفیت دلبستگی به مادر مرتبط است و همچنین نقش غیرمستقیم کیفیت دلبستگی اولیه مادر- فرزند بر خودپنداره تحصیلی توسط تاثیر آن بر ارتباطات فرزند بزرگسال در مدارس آشکار شد.

در این پژوهش نیز با توجه به اهمیت سبکهای دلبستگی علاوه بر توجه به انواع سبکهای دلبستگی، خودپنداره نیز مد نظر قرار گرفته است و به بررسی رابطه سبکهای دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی پرداخته می‌شود.

روش بررسی

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع دبیرستان بخش بندپی شرقی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بودند. نمونه مورد بررسی بر اساس جدول کرسجی و مورگان (به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۹۲) ۲۷۸ دانش‌آموز (۱۳۹ پسر- ۱۳۹ دختر) بودند که به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنیها، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور، مقیاس تنهایی UCLA و آزمون خود پنداره راجرز و درباره دانش‌آموزان اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌ها و روشهای آماری از جمله ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. داده‌ها توسط نرم افزار $spss_{19}$ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف) پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان:

1. Milkulincer &Nachshon

2. Verschueren

نسخه جدید پرسشنامه دلبستگی هازان و شیور در سال ۱۹۹۳ تدوین شده است. این پرسشنامه دلبستگی-های ایمن و ناایمن را می‌سنجد. این پرسشنامه شامل دو بخشی است که در بخش اول (AAQ1) آزمودنی به سه پاراگراف که به شکل جمله‌های توصیفی طرح شد در یک مقیاس هفت درجه‌ای پاسخ می‌دهد. در بخش دوم (AAQ2) مجددا همان توصیف‌ها طرح شده، ولی این بار آزمودنی تنها با علامت زدن یکی از آنها، تشابه خود را با یکی از آن توصیف‌ها بیان می‌کند. ضریب پایایی همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ و ضریب پایایی باز آزمایی این پرسشنامه به ترتیب ۷۹٪ و ۷۲٪ گزارش شده است. در پژوهش بشارت (۱۳۷۹) برای ارزیابی پایایی پرسشنامه دلبستگی بزرگسال از روش بازآزمایی استفاده شده است که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون R=0/92 بدست آمده است.

ب) مقیاس تنهایی UCLA:

جهت سنجش تنهایی از مقیاس تنهایی UCLA (راسل[1]، ۱۹۸۰) استفاده شده که شناخته شده‌ترین مقیاس تنهایی است و نسبت به سایر مقیاس‌ها سلامت روان سنجی بیشتری دارد. این مقیاس دارای بیست سوال که بر اساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تنظیم شده است. این مقیاس در چهار گروه دانشجویان، پرستاران، معلمان و افراد مسن اجرا شده است. دامنه آلفا از ۰/۸۹ تا۰/۹۴ بدست آمده است (راسل، ۱۹۸۰). در تحقیق حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه شده و Q=0/79 بدست آمده است.

ج) پرسشنامه خود پنداره راجرز SCQ۲:

جهت سنجش خودپنداره از پرسشنامه خودپنداره راجرز استفاده شده است. این پرسشنامه شامل دو فرم الف و ب است. برای بررسی روایی پرسشنامه خودپنداره راجرز (۱۹۶۱) نیز از پرسشنامه خودپنداره (بک، ۱۹۷۹، به نقل از حسن پور، ۱۳۸۳) استفاده شده است. پایایی پرسشنامه نیز در این تحقیق با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۵محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول۱ ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی

متغیرها	سبک دلبستگی	خودپنداره	احساس تنهایی
سبک دلبستگی	1	0/038	0/014 *
خودپنداره	۰/۰۳۸	۱	-۰/۲۸۳*
احساس تنهایی	0/014*	-۰/۲۸۳*	۱

همانگونه که در جدول۱ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین احساس تنهایی با مولفه دلبستگی برابر ۰/۱۴۷ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می-باشد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت بین احساس تنهایی با مولفه سبک دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معناداری وجود دارد.

1. Rusell
2. Rajerz

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی با مولفه خودپنداره برابر ۰/۰۳۸ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی‌باشد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت همبستگی بین سبک دلبستگی با مولفه خودپنداره رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معناداری وجود دارد

همانگونه که در جدول ۱، مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین خودپنداره با احساس تنهایی برابر ۰/۲۸۳- می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. ولی با توجه به علامت منفی ضریب همبستگی، می‌توان نتیجه گرفت بین خود پنداره با احساس تنهایی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: سهم هر یک از سبک دلبستگی و خودپنداره در پیش‌بینی احساس تنهایی متفاوت است.

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنهایی مرتبط با معیارهای دلبستگی و خود پنداره

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	آزمون F	سطح معنی داری
Enter	0/147	0/022	0/014	3/029	0/05

جدول ۳: ضرایب تاثیر مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنهایی مرتبط با معیارهای دلبستگی و خود پنداره

متغیرها	ضریب تاثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تاثیر استاندارد (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	2/044		8/50	۰/۰۰۱.
دلبستگی	0/111	0/147	2/46	0/015
خود پنداره	-0/002	-0/002	-0/040	0/965

جدول (۵) یک تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشتمل بر مولفه‌های دلبستگی و خودپنداره می‌باشد. بر اساس یافته‌های جدول، متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده است به طور همزمان ۰/۱۴۷ با متغیر وابسته همبستگی دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهدکه این متغیرها می‌توانند حدود۰/۰۲ درصد از تغییرات احساس تنهایی را تبیین نمایند. همچنین ضریب بتا نشان می‌دهد که متغیر دلبستگی نسبت به متغیر خود پنداره پیش‌بینی کننده قوی‌تری است (B =۰/۱۴۷).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی دانش‌آموزان متوسطه دوم بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی رابطه معنی‌دار مثبت وجود دارد. این یافته‌ها در راستای تایید تحقیقات پیشین ویس[1] (۱۹۷۴)، شاوز[2] و هازان (۱۹۸۹)، هاجراتی[3] و همکاران (۱۹۹۶ به نقل از قادری، ۱۳۸۹)، هچت و باوم

1. Weiss,R.S
2. Shaver,P
3. Hagerty,B.M

(۱۹۸۴)، میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱)، برلین و همکاران (۱۹۹۵)، استوکس (۱۹۸۷) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد در واقع هر چه سبک دلبستگی در افراد از نوع مضطرب- دوسوگرا باشد احساس تنهایی در این افراد بیشتر است. مدل‌های عملی درونی افراد مضطرب- دوسوگرا (مجذوب) از خود منفی و از دیگران مثبت است و برای حفظ خود ازرشمندی بسیار به تایید دیگران وابسته هستند که همین امر می‌تواند با احساس تنهایی بیشتر در آنها همراه باشد.

بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معنی‌دار وجود ندارد. اگرچه این یافته‌ها با تحقیقات پیشین (گودوین؛ میر؛ تامسون؛ هیس[1]، ۲۰۰۸) و (نیشیکاوا؛ هاگلف؛ سانبام ۲، ۲۰۱۰)همسو نیست اما دره گیرائی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین سبک دلبستگی مضطرب-دوسوگرا با خودپنداره هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد. در واقع این پژوهش مشخص می‌کند که نوع سبک دلبستگی بر خودپنداره تاثیری ندارد. صفایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز گزارش دادندکه محیط حمایتی اولیه و شیوه نگهداری به نوبه خود روابط دلبستگی را شکل می‌دهد و از طریق شکل دادن به دلبستگی به طور غیرمستقیم خودپنداره یکپارچه و پایدار را ایجاد می‌کند.

بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات هانگ[3] (۲۰۱۱) همسو است. خود یک ساختار روانی است که به دلیل تجربه‌های درونی و بیرونی در یک نظام پویا شکل می‌گیرد و به تدریج پیچیده‌تر می‌شود. همچنین یک محصول اجتماعی به شمار می‌رود که در اثر تعامل و برخورد با دیگران به دست می‌آید (پورکی[4]؛ ترجمه میر کمالی، ۱۳۷۸) بنابراین هرچه افراد خودپنداره قوی‌تری داشته باشند احساس تنهایی در آنها کمتر خواهد بود. بالبی (۱۹۸۰) باور دارد که نوع دلبستگی یا تعامل عاطفی با محیط اطراف و نداشتن احساس تنهایی اثر زیادی روی شکل‌گیری شخصیت و خلق و خو دارد.

در تحلیل رگرسیونی چند متغییر مشخص شد که متغییر دلبستگی نسبت به متغییر خودپنداره پیش‌بینی-کننده قوی‌تری برای احساس تنهایی است. این یافته‌ها فرضیه‌های قبلی را که نشان دادند بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی رابطه مثبت و بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه منفی وجود دارد تایید می‌کند و با تحقیقات هجت و باوم (۱۹۸۴) میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱) همسو است.

بعد روانی انسان نقش مهم در رشد و ارتقای او دارد. بنابراین، اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش باید در راستای رشد احساس ارزشمندی و مهم بودن دانش‌آموز شکل بگیرد. احساس کرامت و ارزشمندی منجر به دوری از بسیاری اشتباهات و تعلل ورزی‌ها می‌شود. کودکی که احساس ارزش درونی و کرامت نفس می‌کند، می‌کوشد تا همواره عزت نفس خود را حفظ کند و خود را در شرایطی قرار ندهد که به کرامت نفس او خدشه وارد گردد. بنابراین، چنین فردی احتمالا در مدرسه نیز برای انجام دادن بهتر تکالیف، نهایت سعی خود را خواهد کرد.

لحاظ نکردن متغییرهایی مانند هوش و وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مشخص نکردن نوع سبک دلبستگی دانش‌آموزان از محدودیتهای پژوهش حاضر است. افزون بر این برنامه‌ریزان درسی به عناصر مربوط به رشد خودپنداره دانش‌آموزان در محتوا توجه کافی داشته باشند و دوره‌های بازآموزی معلمان با رویکرد

1.bGoodvin &Thompson &Hayes
2. Nishikawa & Hagglof &Sundbom
3. Huang
4. Purkey

رشد خودپنداره ارائه کنند و همچنین به خانواده‌ها نیز در این زمینه آموزشهای لازم داده شود تا در نهایت بتوانیم مشکل اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش-آموزانمان کاهش دهیم.

References

Aghamohammadian, H, R., & Hoseini, M .(2005). *psychological puberty and adolescence.* Mashhad, Ferdowsi university press.

Ahmed, W., & Bruinsma, M. (2006). A structural model of self-concept, autonomous motivation and academic performance in cross cultural perspective. *Electronic journal of research in educational psychology*. vol.4,no.10,p: 551-576.

Asher, S, R., & Ppayuette, J. A. (2003). Loneliness and peer relation in childhood. *Current directions inpsychological science*, 12(3). 75-78.

Berin, L. J., & Cassidy, J ., & Belsky, J. (1995). loneliness in young children and infant-mother attachment: A Longitudinal study, Merill-palmer Quarterly,41,91-103.

Besharat, M. (2000). *Standardization of adult attachment scale (research report)*. Tehran University.

Beswick, G. , & Rothblum, E. (1998). psychological antecedents of student procrastination. *Australian psychologist* .23, 207-217

Bowlby .J, (1980). *Attachment and Loss*: vol 3 loss , sadness , and depression , New York , Basic Books.

Bowlby, J. (1988). *A secure base: clinical applications of attachment theory*, London, Routledge.

Bowlby,J,(1977).The making and breaking of affection books, *British journal of psychiatry*.130,201-210

Bowlby.J. (1973). *Attachment and Loss*. vol.2 separation. New York, Basic Books.

Crowell, J. A, Fraley, R. C & Shaver, P. R. (1999) .*measurement of individual differences in adolescent and adult attachment*. In, J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds). Handbook of attachment: theory. Reoly, research and clinical applications, (p.p.434-465) New York, Guilford.

Delavar, A.,& Azad,H. Anishi, H., & Shamlo, G, R., & Shamlo, S. (2006). Relationship between depression document, anxiety and loneliness in student. Tehran`s Islamic university in academic year 82-83. *Psychological and educational science (knowledge and research in psychology*. no21&22.

Elhageen A. A. M. (2004). Effect of interaction between parental treatment styles and peer relations in classroom on the feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools (dissertation). Germany: Tübingen

Ferrari, J, R. (2007) .Procrastination as self- !regulation failure of performance: Effects of cognitive load , self- awareness, and time limits and working best under pressure. *European journal of personality*, 15 (5) ,391-406.

Gelfand ,D. M ., & Teti ,D .M. (1990) .The effects maternal depression on children. Clinical psychology Review. 10.329-353.

Ghaderi, S. (2010). *Relationship between attachment style and social skills and loneliness among students*. Master`s thesis at university of Al-Zahrah.

Goodvin, R.,& Meyer, S., & Thompson, R. A., & Hayes, R. (2008). Self-understanding in early childhood : association. With child attachment security and maternal negative effect. *Attachment & Human Development*,10,433-450.

Hasanpor, G. (2004). Comparison of self-esteem and self-concept of boys athlete, secondary school in Ahwaz and its relation academic achievement, *scientific journal. no 18 10-19.*

Hasanzadeh, R. (2013). *Psychological research in science mystical. (practical guide to research)* .Tehran, Savalan publication.

Hazan, C., & Shaver, P, (1987). Conceptualizing romantic love and attachment process ,Journal of personality and social psychology.52,511,524

Hecht, D .T & Baum ,S, K. (1984). Loneliness and attachment patterns in young adults, Journal of clinical psychology,40,193-197

Heinrich, L. M., & Gullonca. E. (2006). The effects of maternal depression children: clinical psychology Review .10.329-335.

Huang ,C. (2011). self-concept and academic achievement: A meta-analysis of longitudinal relations ,Journal of school psychology,49(5),505-528.

Miler , G. P .(1982). Curriculum theory. Theory of lesson planning, translator mehr. mohammadi(1394), Samt press.

Nishikawa, S. Hagglof. B., & Sundbom. E. (2010). Contributions of attachment and self-concept on internalizing and wxternalizing problems among Japanese adolescence.Child famstud,19,334-342.

Perki,Viliamdeblio.(1970). Self-concept and academic achievement. Translator Mohammad Mirkamali, M. A. (1378). Tehran. Yastoron press.

Porhosein, R., & Dadsetan, P., & Ejei, J., & Kiananesh , A. R. (2002). Development of self-study in children 6 to 12 years and its relationship with social class and gender. *Journal of psychology* sixth year. number3 ,P 211-226.

Purkhuurst, J. T & Hopmeyer, A. (1999). Developmental change in the source of loneliness in childhood: constructing a theoretical model in: k. j. Rotenberg & S. Hymel (Eds*), Loneliness in childhood and adolescence* (pp 56-76).New York: Cambridge university press

Rusell, D..,& Peplau L.A., & Curtona C.E. (1980). "The revised UCLA loneliness scale: concurrent and discriminate validity.

Schouwenburg, H. (2005). *On counseling the procrastinators in academic setting*. Proceedings of the fedora psyches conference:Jun8-11,Groning, Netherlands.

Song ,I. S., & Hattie ,J. (1984). Home environment, self-concept,and academic achievement: A causal modeling approach. Journal of Educational psychology, 76,1269-1281.

Steel, P. D. G. (2002). The measurement and nature of procrastination. Dissertation Abstracts International: section B: The sciences and engineering,63 (3-B),1599.

Stokes. J. P. (1987). The relation of loneliness and self-disuse. In V. J. Derlega & J. H. Berg (Eds) , *self-disclosure* (pp. 175-202) New York, plenum press.

Van. W. L. (2004). The relationship between procrastination and stress in the life of the high school of human resource management. The University of Pretoria.

Verschueren, K., Doumen, S. & Buyse, E. (2011). Relationships with mothers, teachers, and peers: Unique and joint effects on young children's self concept. Paper presented at the 15th European *Conference on Developmental Psychology , Bergen*, Norway.